خبرها

تصویب افزایش ۵۶ درصدی تعرفه موبایل

فارس: معاون امور اقتصادی و بین‌الملل وزارت صنایع و معادن گفت: تصمیم مربوط به افزایش ۵۴ درصدی تعرفه واردات گوشی تلفن همراه به کشور در جمع وزرای عضو کمیسیون ماده یک و با حضور شخص وزیر بازرگانی به تصویب رسید. محسن شاطرزاده در ارتباط با نارضایی و انتقاد وزارت بازرگانی از تعیین تعرفه ۶۰ درصدی برای واردات گوشی تلفن همراه به کشور اظهار داشت: این تصمیم در جلسه وزرای عضو کمیسیون ماده یک به تصویب رسید و وزیر بازرگانی نیز در این جلسه توضیحات و نظرات خود را اعلام کرد، اما در نهایت این تصمیم با رای اکثریت به تصویب رسید. وی در مورد احتمال بازنگری مجدد در تعرفه واردات گوشی تلفن همراه به کشور یادآور شد: از آنجا که تعیین تعرفه جدید واردات گوشی تلفن همراه به کشور با تصمیم وزرای عضو کمیسیون ماده یک صورت گرفت، هر گونه تغییر مجددی در این تعرفه نیز باید با تصویب وزرای این کمیسیون باشد. شاطرزاده احتمال تجدیدنظر مجدد در تعرفه واردات گوشی تلفن همراه به کشور را بعید دانست و تصریح کرد: براساس اطلاعاتی که من دارم، تغییری در این نرخ ایجاد نخواهد شد.

رشد کمتر از یک درصدی پتروشیمی

فارس: ارزش افزوده منفی و نزدیک به یک درصدی صنعت پتروشیمی در سال گذشته و عدم تحقق رشد پیش‌بینی شده برای ارتقای بهره‌وری طی سال گذشته موجب محقق نشدن رشد پیش‌بینی شده برای بخش صنعت و معدن کشور در سال ۸۴ شد. برآورد رشد محقق شده بخش صنعت و معدن بدون صنایع پتروشیمی در سال گذشته بالاتر از ۹ درصد بوده است، اما با در نظر گرفتن صنایع پتروشیمی، رشد افزوده این بخش در سال ۸۴ حدود ۷/۳ درصد برآورد شده است. این در حالی است که طبق برنامه چهارم توسعه، تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده پیش‌بینی شده برای بخش صنعت و معدن در برنامه چهارم توسعه به طور متوسط ۱۱/۲ درصد در نظر گرفته شده است. براساس این گزارش طی سال گذشته صادرات محصولات صنعتی و معدنی نیز بیش از ۸ میلیارد و ۵۶۱ میلیون دلار بوده که ۷۷ درصد از کل سهم صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داد. مقایسه این رقم نسبت به سال ۸۳ نشان‌دهنده رشد ۶۰ درصدی صادرات صنعتی و معدنی کشور بوده است. طی سال ۸۴ همچنین ۳۱ هزار و ۲۰۷ فقره جواز تاسیس صنعت با سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده ۹۰۱ میلیارد ریال صادر شده است. در سال گذشته ۶ هزار و ۲۵ فقره پروانه بهره‌برداری نیز صادر شد که نسبت به سال ماقبل آن رشد ۲۲/۳ درصدی را نشان می‌دهد.

دلارهای نفتی؛ عامل افزایش قیمت سیمان

مهر: مدیرعامل سیمان تهران مابه‌التفاوت قیمت سیمان در درون و برون مرزها را باعث ایجاد رانت در این بخش دانست. اتابک مدیرعامل سیمان تهران و نایب‌رئیس انجمن صنفی کارفرمایان سیمان تهران در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم گفت: مجموعه تولید سیمان کشور در سال گذشته حدود ۳۲/۶ میلیون تن بوده است. وی با بیان اینکه در حال حاضر در کشور ۴۳ کارخانه فعال تولید سیمان با ظرفیت تولید ۹۸/۴ درصد وجود دارد، افزود: میانگین رشد مصرف سیمان کشور در سه سال گذشته حدود ۱۱ درصد بوده است و پیش‌بینی می‌شود که ظرفیت تولید سیمان کشور با توجه به کمبودهای نقدینگی کارخانجات تولیدی به دو برابر برسد. اتابک با اشاره به تفاوت مصرف با نیاز کشور، تاکید کرد که میزان این تفاوت کلی باید مشخص شود. مدیرعامل سیمان تهران با یادآوری اینکه عدم توازن عرضه و تقاضا در کشور باعث شده که کمبود سیمان خود را بیشتر نشان دهد، اظهار داشت: میزان مصرف سرانه کشور در سال‌جاری، ۵۵ کیلوگرم بود که این میزان در سال ۸۴ به ۴۸۵ کیلوگرم رسیده است و با کمبود سیمان در آن زمان مواجه بودیم و در حال حاضر نیز مواجه هستیم. وی میزان مصرف و تولید سیمان را در سال گذشته، ۳۲/۶ میلیون تن عنوان کرد و افزود: با تغییر برنامه‌های کشور میزان مصرف و نیاز کشور تغییر می‌کند اما با این وجود میزان مصرف قابل پیش‌بینی است. اتابک گفت: در طول ۴۳ سال ۶/۵ درصد به میزان مصرف کشور افزوده شده و در پنج سال ۸/۶ درصد و در طول سه سال نیز نزدیک به ۱۱ درصد به میزان مصرف افزوده شده است. وی با بیان اینکه شرایط برنامه چهارم توسعه با گذشته قابل مقایسه نیست تصریح کرد: در هیچ دوره‌ای پیش‌بینی احداث ۸۲ سد، قانونمند شدن ساخت وساز روستایی و ترمیم بافت‌های فرسوده در کشور که نیاز به سیمان دارند در کشور پیش‌بینی نشده بود. نایب رئیس انجمن صنفی کارفرمایان سیمان تهران رشد اقتصادی را در ارتباط مستقیم با مصرف سیمان دانست و افزود: در حال حاضر به دلیل وجود دلارهای نفتی در منطقه قیمت سیمان بالا رفته است. وی با تاکید بر همراهی تولید با تقاضا گفت: در حال حاضر کارخانجات سیمان صادرات ندارند. اتابک با بیان اینکه مابه‌التفاوت قیمت سیمان در درون و برون مرزها باعث ایجاد رانت در این بخش شده است، تصریح کرد: این رانت برای کسانی که از کارخانه موفق به اخذ حواله می‌شوند و برای کسانی که امکان خارج کردن این کالا از کشور را دارند ایجاد می‌شود و البته سیستم توزیع در اختیار کارخانجات نیست و از طریق سهمیه‌بندی وزارت بازرگانی انجام می‌شود. وی اختلاف قیمت‌های سیمان را باعث قاچاق این محصول دانست و افزود: نمی‌توانیم ادعا کنیم که قاچاق وجود ندارد. وی با تاکید بر اجرایی شدن روح طرح جامع سیمان و ایجاد یک قیمت تعادلی بدون شوک در بازار بیان کرد: در حال حاضر نیز به دلیل عدم وجود مجوز هیچ کارخانجات تولیدی‌ای صادرات سیمان ندارند.

دموکراسی حقوق بشر و توسعه

ادامه از صفحه ۱۱

بسیاری از مطالعات آینده شناختی که در ربع پایانی قرن ۲۰ صورت گرفته حکایت از این دارد که قرن ۲۱، قرنی است که در آن انسان به انسانی‌ترین جایگاه و منزلت در فرآیند تولید دست پیدا می‌کند و منظور از این انسانی‌ترین جایگاه این است که میزان حضور و نقش توانایی‌های فیزیکی انسان در فرآیند تولید به سمت صفر میل می‌کند در حالی که نقش قدرت نوآوری و خلق ایده‌های جدید به سمت حداکثر شدن می‌رود. از این زاویه وقتی تحولات تکنولوژی انفورماتیک را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که چشم‌اندازها بسیار خارق‌العاده است ولی در عین حال کسانی اعم از بنگاه‌ها و کشورها که اینها را درک نکنند فاصله‌ای با کسانی که آنها را درک کرده‌اند پیدا می‌کنند که بسیار بی‌سابقه‌تر از فاصله تجربه شده در دوره‌ای از انقلاب صنعتی تاکنون است و هر چقدر این فاصله و شکاف بیشتر شود (مستقل از هر تصور و یا درکی که از حقوق بشر وجود داشته باشد) این را برای کشورهای در حال توسعه تبدیل به یک ملاحظه جدی امنیت ملی می‌کند. چندی پیش در مطالعه‌ای اجمالی روی جهانی شدن اقتصاد تقریباً نظریات ۱۰ نظریه‌پرداز بزرگ که اغلب به طور کلی رویکردهای متفاوت نظری دارند را بررسی کردم و یافته‌ها حکایت از آن داشت که هر کدام از آنها با منطق‌ها و استدلال‌های خاص خود تصریح می‌کنند که بزرگ‌ترین تهدید جهانی شدن اقتصاد برای کشورهای در حال توسعه خطر تجزیه ملی است و این شکاف و نابرابری نگرانی‌های مربوط به تجزیه ملی را فوق‌العاده افزایش می‌دهد و اتفاقاً تن دردادن به اقتضائات حقوق بشر و تعقیب سمت‌گیری‌های ناشی از «ترکیب خردمندانه عدالت و آزادی» در درون خود سازوکارها و پیامدهایی دارد که به بهترین شکل می‌تواند نظام ملی را در کشورهای در حال توسعه در برابر خطر تجزیه ایمن کند و در عین حال قابلیت‌های مهمی خلق می‌کند که بتوانیم به صورت منطقی این فاصله و شکاف بین خود و کشورهای توسعه‌یافته را برطرف کنیم. در این زمینه دو نکته وجود دارد. نکته اول این است که پدیده حقوق بشر به دلایل گوناگونی تمایل به این دارد که در آینده تبدیل به یک ارزش مسلط جهانی شود. یکی از آن دلایل تحولاتی است که در تلقی از دولت در فلسفه سیاسی به وجود آمده و بدین ترتیب دولت که در دوران‌هایی بخصوص دوره قبل از رنسانس به عنوان نهادی که صاحب اقتدار مطلق نسبت به رعایا بوده به تدریج به صورت فزاینده‌ای جای خود را به دولت پاسخگو می‌دهد و یکی از مهمترین ارکان و مؤلفه‌های دولت پاسخگو نقشی است که طرز تلقی‌های مردم درباره مشروعیت دولت روی ثبات سیاسی دارد. از آنجایی که عملکرد اقتصادی هم بیش از هر چیز تحت تاثیر ثبات سیاسی قرار دارد در درون دولت‌های ملی به سمتی حرکت می‌کنیم که دولت از رویکردهای اقتدارگرایانه خود به شکل‌های مختلف مجبور است که فاصله بگیرد و هرگونه تاخیر یا تعللی از سوی حکومت‌ها در این زمینه می‌تواند منشاء هزینه‌ها و خسارت‌های گاه جبران‌ناپذیر شود. نکته دومی که این ایده را تقویت می‌کند تحولاتی است که در اندیشه‌های حقوق و روابط بین‌الملل به وجود آمده است. یکی از مهمترین منطق‌هایی که شکل‌گیری و گسترش چشمگیر سازمان‌های بین‌المللی را به ویژه در قرن ۲۰ توجیه می‌کند این است که اصطکاک‌های فزاینده و مبادلات و تعامل‌های روزافزونی که دولت‌ها با یکدیگر دارند و هزینه‌های سنگینی که بابت این اصطکاک‌های منتهی به خشونت و به ویژه جنگ‌های جهانی جامعه بشری تجربه کرد آنها را به این جمع‌بندی رسانده که به صلاح هر دولت ملی است که آگاهانه و ارادی بخش‌هایی از حق حاکمیت ملی خود را به سازمان‌های بین‌المللی واگذار کند و در ازای آن حاکمیت ملی خود را پایدار کند. طبیعتاً این فرایند در چارچوب شرایط جهانی شدن اقتصاد سرعت و شتاب بیشتری پیدا خواهد کرد. نکات جذاب زیادی در مطالعه تاریخی راجع به تحولاتی که در این عرصه پدیدار شده وجود دارد که من از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کنم و تنها به یک مورد اشاره می‌کنم و آن این است که زمانی که اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل در حال تصویب بود. یکی از بحث‌های مهمی که در آن زمان مطرح شد این بود که ضمانت‌های اجرایی لازم برای تحقق این اعلامیه چیست. وقتی بحث از ضمانت اجرایی مطرح بود بیشترین مقاومت از طرف آمریکا صورت می‌گرفت و آنها نمی‌خواستند سازمان ملل یک اقتدار اجرایی برای پیشبرد این مسئله پیدا کند. بیشترین حمایت و تاکید و پیگیری توسط دو گروه انجام می‌شده؛ یکی بلوک سوسیالیستی و یکی بلوک کشورهای جهان سوم. آن روز یعنی در آن زمان آمریکا به این واسطه که در قانون اساسی خود وجوهی از تبعیض نژادی را به رسمیت شناخته بود، مقاومت می‌کرد و آن دو بلوک بیشترین اصرار و پافشاری را برای وجود یک ضمانت بین‌المللی نشان دادند. توجه به تحولاتی که طی نیم قرن گذشته در دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های مجموعه این کشورها پدیدار شده و شناخت ریشه‌های آن می‌تواند راهگشای دستیابی به درک عمیق‌تری از مسائل جهانی باشد. آمارتیا سن درباره حقوق بشر و توسعه می‌گوید: در مواجهه با این منزلت فزآینده حقوق بشر در برنامه‌های توسعه و نقش میزان رعایت حقوق بشر در عملکرد اقتصادی ما با سه چالش عمده مواجه هستیم:

۱- چالش مشروعیت

۲- چالش مسئولیت

۳- چالش فرهنگی

سن می‌گوید چالش مشروعیت را بیشتر مارکسیست‌ها دامن می‌زنند و بحث آنها این است که اگر ما یک نوع نگاه فطری به حقوق بشر داشته باشیم یعنی یک نوع حقوقی را برای انسان‌ها مستقل از دولت‌ها به رسمیت بشناسیم. این به معنای تقدم حقوق نسبت به دولت است. در حالی که از دیدگاه مارکسیست‌ها حقوق نمی‌تواند مقدم بر نهاد دولت باشد. منظور سن از چالش مسئولیت این است که حق، مستقل از تکلیف موضوعیت ندارد و بنابراین ما به موازات اینکه برای بشر حقوقی تعریف می‌کنیم اگر به موازات آن وظایف و مسئولیت‌هایی تعریف نکنیم این بنیان پایداری برای پیشبرد اهداف نخواهد بود. در مورد بحث فرهنگی، سن می‌گوید که بسیاری از کشورهای آسیایی استدلال دارند که ما نمی‌توانیم به گزاره‌های جهانشمول درباره حقوق بشر تن بدهیم چون ما ویژگی‌ها و اقتضائات خاص فرهنگی خودمان را داریم و سپس جامعه هند را مثال می‌زند و می‌گوید که در طول تاریخ چه فرهنگ‌هایی بر هند تسلط داشتند که از جمله فرهنگ اسلامی را مطرح می‌کند و جملات بسیار افتخارآمیزی را از فرهنگ اسلامی در زمان حکومت مسلمانان در هند ذکر می‌کند که چطور دانشمندان بزرگ یهود و مسیحی در اروپا به‌واسطه فرهنگ مدارایی که حاکمیت اسلامی در هند ایجاد کرده بود از اروپا فرار می‌کردند و در هند زندگی می‌کردند و می‌گوید در عین حال که می‌پذیریم که اکنون قرائت‌های متفاوتی از اسلام و هندوئیسم و... وجود دارد ولی سوابق تاریخی نشان می‌دهد که قرائت‌های تشویق‌کننده هم‌زیستی همراه با برخوردهای دوستانه و همراه با تسامح در این کشورها بسیار ریشه‌دار و زیاد است و بنابراین اصول مشترکی است که همه فرهنگ‌ها روی آن صحه می‌گذارند و حقوق بشر هم آنها را تایید می‌کند و می‌گوید؛ واقعیت این است که این ایده تمایز فرهنگی به مثابه بهانه‌ای برای نادیده گرفتن حقوق بشر بدون استثنا توسط حکومت‌هایی که تمایل‌های استبدادگرایانه و سرکوب‌گرایانه داشتند به عنوان دستاویز مطرح است وگرنه بنیان منطقی مشخصی برای آن نمی‌شود پیدا کرد. او سپس شعر زیبایی را از رابیندرانات تاگور آورده که نشان می‌دهد تاگور چگونه روی این ایده که همه فرهنگ‌ها به رغم همه تفاوت‌های موجود روی یک سلسله اصول انسانی همگانی مشترک هستند تأکید می‌کند و در آخر نشان می‌دهد که هیچ یک از این چالش‌ها دلیلی منطقی برای بی‌اعتنایی به حقوق بشر نیست. شاید بتوان از نگاهی که اسلام به ادیان دیگر دارد و به صراحت در قرآن منعکس شده که بنیان‌های اصلی و اساسی همه ادیان از دیدگاه اسلامی یکسان است و به همین دلیل خداوند در قرآن می‌فرماید که «دین نزد خداوند همانا اسلام است» پس تفاوت‌های فرهنگی به عنوان یک توجیه برای نادیده گرفتن حقوق بشر در چارچوب اندیشه اسلامی دارای مبنای مستحکمی نیست و نمی‌توان به این بهانه‌ها متمسک شد تا حقوق بشر نقض گردد. امیدوارم بصیرت‌های مورد نیاز برای عمل به اسلام و تحقق آرمان‌های توسعه ملی در ایران هر روز بیش از گذشته فراهم شود.

تجربه‌ای از پوپولیسم

ادامه صفحه ۱۱

در چنین شرایط اجتماعی پربحران یک کودتای نظامی، دولت موجود را سرنگون کرد. در سال ۱۹۴۳ دولت رامون کاستیلو سرنگون شد و حکومت نظامی بر سر کار آمد. شعار متعارف تمام تمامیت‌خواهان «اتحاد ملی» و «حفظ شرف و غرور ملی» همراه با چاشنی «رسیدگی به اقشار محروم» و «حذف دخالت بیگانگان» و محمل حرکت برای تصاحب قدرت نیز ایجاد شور و غوغا و تحریک احساسات عوام‌الناس از طریق وعده و قول بهروزی و بهره‌مندی بیشتر آنها. ابتدا رهبران کودتا با یکدیگر به جنگ قدرت مشغول شدند تا بالاخره قدرت کامل منسجم شد. اتحادیه‌های کارگری که توسط کمونیست‌ها اداره می‌شد منحل و تظاهرات مخالف ممنوع شد. اساتید دانشگاه مورد تصفیه قرار گرفتند چنانکه ۷۰ درصد از آنها از کار اخراج شدند. کتاب‌های درسی پر از مدح و ثنای کشور و نظام و ارتش شد، روزنامه‌ها سرکوب شدند و روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول مورد پیگرد قرار گرفتند و زندانی شدند. آموزش‌های کلیسای کاتولیک در تمام مقاطع اجباری و تشکیل احزاب سیاسی ممنوع اعلام شد. چنانکه در اینگونه حکومت‌ها افتد و دانی. سیاست اقتصادی نظامیان، پیگیری خودکفایی صنعتی، ایجاد محدودیت در صادرات و واردات ارائه سوبسید و کمک به ایجاد صنایع برای تولید کالاهای صنعتی جایگزین واردات بود. خصوصاً برای پایین نگه داشتن قیمت مواد غذایی ممنوعیت‌هایی بر صادرات مواد غذایی که منبع اصلی تجارت خارجی کشور بود وضع شد. این نیز سیاست ساده‌ای بوده است برای حکومت‌هایی که به ریشه مشکلات توجه ندارند. یعنی راضی نگهداشتن فقرا و مصرف‌کنندگان به زیان و به هزینه تولیدکنندگان محصولات کشاورزی که فرصت کسب درآمد بیشتر از محل صدور محصولات خود را محدودتر می‌یافتند. برای هر مصرف‌کننده این مطلوب است که حاصل دسترنج دیگران را به راحتی دریافت و مصرف کند. این مصرف‌کننده طبعاً ممنون و قدردان کسانی خواهد بود که با هزینه دیگران به احسان و امداد دست می‌زنند و طبعاً نیز کسی علاقه‌ای به شنیدن صدای اعتراض تولیدکنندگان ندارد و اینگونه اعتراض نیز ضدملی و مغایر روحیه اتحاد و حمایت از بورژوازی و فئودالیسم و مانند آن تلقی می‌شود. چه کسی جرأت می‌کند در مقابل توده‌هایی که اشتهای آنها تحریک شده بایستد، خاصه اگر قدرت نظامیان نیز پشت سر آنها باشد؟

■ خوان پرون

پس از دوران کشمکش داخلی نظامیان یک سرهنگ کاریزماتیک به نام خوان پرون که در کودتا نقش داشت به تدریج به مقامات بالاتر رسید و قدرت را به دست گرفت. پرون به حسن رفتار و برخورد احترام‌آمیز با نیروهای تحت امر خود شهرت داشت. او منصفانه رفاه و پیشرفت آنها را با جدیت و صمیمیت مورد توجه قرار می‌داد و برای آن بی‌وقفه تلاش و دلسوزی صادقانه می‌کرد. به همین دلیل نیز از حمایت ارتش کودتا و طیف وسیعی از افسران و درجه‌داران جزء برخوردار بود و این امر به او کمک کرد تا در صدر قدرت قرار گیرد. پرون فرد بی‌سوادی نبود و از مقوله رهبران جهان سومی از قماش افرادی چون صدام حسین و مانند آن به حساب نمی‌آمد که ریشه قدرت آنها اوباش شهری بوده و خود نیز از زبده سرکردگان آنها به حساب می‌آمدند. او در سال‌های قبل از جنگ دوم در ایتالیا ماموریت اداری داشت و به همین دلیل نیز عروج حکومت فاشیستی موسولینی و غوغای عوام‌الناس به حمایت از او را از نزدیک دیده و پسندیده بود. همچنین بسیار تحت تاثیر برنامه‌های اصلاحات اجتماعی موسولینی و قول‌های او برای بهبود وضع توده‌ها و تصحیح روابط درونی جامعه به نفع آنها قرار گرفته بود. او از این شرایط درس‌هایی گرفت که بعداً مورد استفاده قرار داد. پرون همچنین افسری بود اهل مطالعه و فکر لکن عمدتاً در حیطه نظامی‌گری و در باب تاریخ نظامی‌گری تالیفات داشت. او با این پس‌زمینه هنگامی که قدرت را به دست گرفت آتش احساسات اقشار محروم جامعه را برافروخت و همچنین برنامه‌هایی مانند تعیین حداقل دستمزد، تعیین حداکثر تعداد ساعات کار در هفته برای کارگران، توسعه امکانات آموزشی و خدمات اجتماعی را مطرح کرد. در مقابل آن صنعت گران بورژوازی نوپا را مورد حمایت قرار داد و از طرف دیگر آنها را در رویارویی با مشکلات کارگری که تحت نفوذ کمونیست‌ها بود حمایت می‌کرد. شعار خلاصه برنامه‌های او به این نحو جمع‌بندی می‌شد: «دو بال پرونیسم، عدالت اجتماعی و امداد اجتماعی». به این شعار چاشنی اتحاد ملی و مقابله با نفوذ آمریکا نیز اضافه می‌شد.

■ خانم اویتا

اویتا (نام اولیه اوا) دختری بود از یک خانواده کارگری فقیر که دارای پنج فرزند بودند. او در سن شانزده سالگی به خاطر فقر خانواده و به امید یافتن زندگی بهتر از خانه فرار کرد و در شهر بوئنوس‌آیرس به حرفه «هنرپیشگی» که حرفه چندان محترمی نیز تلقی نمی‌شد مشغول بود و از این راه به محافل نظامیان کودتاچی راه یافت و با سرهنگ خوان پرون آشنا شد. اویتا پس از مرگ همسر اول پرون با او ازدواج کرد و نقش مسئول عمده تبلیغاتی پرون را از طریق تحت کنترل درآوردن تعدادی روزنامه و ایستگاه رادیویی به عهده گرفت. به زودی برای او مربی تشریفات اجیر شد تا آداب زندگی درباری را بیاموزد. اویتا نیز از طریق سخنرانی‌های بی‌وقفه به زبان عوام قول‌ها و وعده‌های پرون را تشریح می‌کرد و حمایت امیدواران را جلب می‌کرد. او بیش از تحصیلات ابتدایی تحصیلات دیگری نداشت لکن پیوسته مشغول سخنرانی و تهیه مطالب تبلیغاتی بود چنانکه به سلیقه همگنان دوران زندگی آغشته با محرومیت خود سخن می‌گفت. او می‌گفت همه زنان باید زندگی باشکوهی داشته باشند و از لباس‌ها و امکانات مد روز و فاخر استفاده کنند. لکن چگونه و از طریق کدام منابع؟ در این مورد نظری نداشت. البته این خود یک درجه بهتر از وضع کسانی است که سایرین را به ضرورت ساده‌زیستن ترغیب می‌کنند و برای خود ریاکارانه زندگی باشکوه و پرهزینه‌ای فراهم می‌نمایند. او هر چه را برای خود فراهم می‌کرد لااقل به صورت شفاهی برای تمام زنان خواستار بود. او می‌گفت زنان بایستی باسواد و تحصیلکرده باشند لکن به امور خانه بپردازند و این امر را مهمتر از هر کاری تلقی کنند. می‌خواست برای دختران فراری خانه‌های خاص ایجاد شود یعنی آنچه که ضرورت آن را در سن شانزده‌سالگی و فرار از خانه احساس کرده بود. به این ترتیب ماه عسل وعده‌ها و قول‌ها و تهییج مردم و پیگیری برنامه‌های اجتماعی که مبنای اجرایی و برنامه مالی مشخصی نیز نداشت آغاز شد.

■ ماه عسل

دوران ماه عسل پرونیسم، که به رهبری مشترک خوان و اویتا پرون به پیش رانده می‌شد و موجی از امید و هیجان گسترده ایجاد می‌کرد و حکومت نظامیان نیز بر آن موج سوار بود، را می‌توان به دو مقطع تقسیم کرد. مقطع اول «خوردن گذشته» و مقطع دوم «خوردن آینده». معمولاً حکومت‌های استبدادی هر آنچه از منابع کشور را که فراچنگ آرند و بر روی آن دست‌اندازی کنند صرف اهداف خود می‌کنند. حکومت‌های استبدادی پوپولیستی قسمتی از این منابع را نیز کم و بیش صرف نیروها و اقشار اجتماعی حامی خود می‌نمایند. این کار را نیز بعضاً از طریق اجرای برنامه‌های اجتماعی صورت می‌دهند. لکن عدم وجود راه‌کارهای دموکراتیک اینگونه برنامه‌ها را به صورت پوششی از تامین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ درآورده و امکان تنظیم آن بر مبانی بادوام و پایدار و نظم اجتماعی عقلایی را منتفی می‌کند. برنامه اجتماعی پرون مبتنی بود بر ارزان نگهداشتن قیمت محصولات کشاورزی و مواد غذایی، کاهش ساعات کار در هفته، تعیین حداقل دستمزد، مشکل کردن اخراج نیروی کار، آموزش مجانی تا سطح دانشگاه و مانند آن.

■ خوردن گذشته

چنانکه قبلاً اشاره شد، آرژانتین از ظرفیت تولید محصولات کشاورزی و دامی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. سال‌های اولیه روی کار آمدن نظامیان مصادف بود با جنگ جهانی در اروپا و افزایش تقاضا برای اینگونه محصولات. افزایش تقاضا برای صادرات کشاورزی همراه با اجرای طرح‌های صنعتی جایگزین واردات و سایر طرح‌ها ابتدا رونق چشمگیری را فراهم آورد. لکن کنترل قیمت محصولات کشاورزی برای پایین نگهداشتن قیمت ارزاق و کمک به پایین نگهداشتن هزینه نیروی کار به منظور کمک به صنایع تحت حمایت دولت به تدریج سرمایه‌های بخش کشاورزی را مستهلک و امکانات تولید را اندک‌اندک محدودتر کرد. سیاست پولی انبساطی تورم داخلی را افزایش داد و ثابت نگهداشتن نرخ ارز نیز سبب شد قیمت اینگونه صادرات آرژانتین در بازارهای خارجی افزایش یابد. خصوصاً بعد از پایان جنگ دوم جهانی این امر انگیزه اقتصادی کافی ایجاد کرد که کشورهای اروپایی بتوانند تولیدات خود را جایگزین واردات از آرژانتین نموده و عمده بازارهای سنتی و تثبیت شده این محصولات به تدریج از دست برود و آنچه مرده ریگ اقتصادی این کشور بود به تدریج مورد مصرف قرار گیرد. ایجاد صنایع تحت حمایت برای جایگزینی واردات نیز که بر مبنای هدایت رانت‌های اقتصادی و تقسیم آن بین ژنرال‌ها و صاحبان صنایع جدید ایجاد شده بود طبعاً ظرفیت تولید مطمئن و معنی‌داری را ایجاد نکرد، مانند بسیاری از کارخانه‌هایی که در کشورهای در حال توسعه به همین نحو ایجاد شده است.

■ خوردن آینده

اینگونه شرایط دینامیک خاص خود را دارد. از یک طرف تقاضا برای کسب امتیازها افزایش می‌یابد. چه توسط کسانی که یک وعده تغذیه ارزان‌قیمت یا آموزش مجانی برای کودکان خود دریافت می‌کنند و چه کسانی که رانت‌های میلیاردی را به صورت وام‌های ارزان‌قیمت، ارز خارجی با قیمت پائین، امتیازهای گمرکی و مجوزهای انحصاری دریافت می‌نمایند. از طرف دیگر امکانات داخلی برای ارائه اینگونه امتیازها به مرور فرسوده‌تر و محدودتر می‌شود و کشمکش بر سر رانت‌ها بالا می‌گیرد. در نتیجه استفاده از کمک‌های خارجی و وام‌های خارجی وسعت می‌یابد و بخشی از منابعی که به عنوان وام خارجی به داخل تزریق می‌شود از در عقب به حساب صاحبان قدرت در کشورهای پیشرفته منتقل می‌گردد، و بازپرداخت آن در آینده بر گردن ملت قرار می‌گیرد. این فقط یکی از طرق مختلف مصرف آینده است. ایجاد نقدینگی برای تامین هزینه‌های بودجه که روندی تصاعدی می‌یافت و فشارهای تورمی فزاینده ایجاد می‌کرد، عدم توان حکومت در عملی کردن وعده‌ها و زایل شدن اعتبار سیاست‌ها و توان مدیریت، واگذاری مسئولیت‌ها به افراد ناشایسته، فرار سرمایه‌ها، عدم وجود انگیزه برای سرمایه‌گذاری و مانند آن روش‌های دیگری بود که تصمیم‌های حال، آینده را به مخاطره انداخته و فرصت‌ها را ضایع می‌کرد.

■ پایان کار

همراه با افزایش تورم، کاهش سرمایه‌گذاری، ضعف توان تولیدی لازم برای پشتیبانی برنامه‌های اجتماعی، جدال درون حکومتی بر سر تقسیم رانت‌ها و... بحران‌های اجتماعی را دامن زد. تظاهرات، ناآرامی‌ها و کشمکش‌ها فزونی گرفت. از طرف دیگر سرکوب رسمی، بازداشت و زندانی کردن به روال متعارف تبدیل شد. همچنانکه سرکوب رسمی نیز پاسخگوی ایجاد آرامش نبود گاردهای سیاه به صحنه آمدند. قتل‌های سیاسی، ترور، ارعاب و مفقودالاثر شدن فعالان سیاسی متواتر شد. بعد از مدتی کودتاچیان پرون را از صحنه خارج کردند. او به جمهوری دومینیکن و سپس اسپانیا تبعید شد. در این زمان برای نشان دادن فساد مسئولین قبلی، کودتاچیان مجموعه جواهرات اویتا پرون را که مصادره کرده بودند به حراج عمومی گذاشتند که گفته شد از جواهرات کلئوپاترا ملکه مصر باستان با ارزش‌تر و متنوع‌تر بود. لااقل اویتا به قول و قرار خود در مورد زندگی باشکوه برای زنان در مورد خودش عملکرد بود. کشمکش‌های درونی بین نظامیان یک بار دیگر پرون را در سال ۱۹۷۳ به صحنه بازگرداند. او به آرژانتین بازگشت و همسر سوم خود ایزابل را به عنوان معاون رئیس‌جمهور انتخاب کرد. وی پس از مرگ پرون رئیس‌جمهور شد لکن توسط ارتش در سال ۱۹۷۴ سرنگون شد. این دوران سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۷۴ یعنی سی و دو سال را دربرگرفت و پس از آن نیز ژنرال‌ها حکومت سرکوبگری را در حدود دو دهه تداوم بخشیدند. آخرین دستاویز اینگونه نظام‌های توتالیتر جنگ خارجی است. از طریق درگیری در مناقشه خارجی قول‌های قبلی فراموش می‌شود، توقعات مردم منتفی می‌شود، احساسات ملی‌گرایانه انسجام داخلی فراهم می‌کند و زمینه برای سرکوب وسیع مخالفان و معترضان فراهم می‌شود. تلاش ژنرال‌ها برای تبدیل مسئله فالکلند به یک موضوع هیجان‌انگیز ملی و حمله به این جزایر که از ۱۸۲۰ در تصرف انگلستان بود نیز کمکی در جلب حمایت مردم نکرد. به این نحو که ژنرال‌ها با اجرای یک برنامه تبلیغاتی وسیع مقدمات حمله نظامی برای آزادسازی جزایر فالکلند را آغاز کردند. مردم این جزایر قبلاً در یک رفراندوم انتخاب کرده بودند که شهروند انگلستان شوند. آخر چه کسی می‌خواهد شهروند حکومت ژنرال‌های خونریز و سرکوبگر باشد؟ شکست خفت‌بار نظامیان از انگلستان در جنگ فالکلند (۱۹۸۲)، حکومت آنها را در سراشیبی سقوط قرار داد. به این نحو این دوران حدود نیم قرن از زندگی یک ملت را در برگرفت. ترازنامه این دوران از یک طرف ایجاد هیجان و مشارکت در تظاهرات و شنیدن سخنرانی‌های آتشین توسط مردم و بهره‌مندی ناچیز از اصلاحات اجتماعی و از طرف دیگر تنزل رتبه کشور به یک کشور جهان سومی فقیر و برخوردار از نرخ‌های تورم بالا و بدهی خارجی فراوان و ژنرال‌ها و الیگارشی ثروتمندی بود، که پس از اعلام عفو عمومی برای جنایات خود، به تدریج و بدون سر و صدا در پناه حساب‌های بانکی خود در آمریکا و اروپا خزیدند و به تدریج فراموش شدند و کمتر کسی نیز شعارهای مقابله با نفوذ آمریکایی آنها را به‌یاد آورد.

***www.rastak.com**

خبرها

برگزاری بزرگ‌ترین همایش صنعت قطعه‌سازی

همایش صنعت قطعه‌سازی و رویکردهای نوین حمایتی چهارم تیر در هتل المپیک با حضور محترم وزیر صنایع و معادن برگزار می‌شود. دکتر سیداصفهانی دبیر همایش قطعه‌سازان و رویکردهای نوین حمایتی گفت: پیش از این همایش صنعت قطعه‌سازی و رویکردهای نوین حمایتی قرار بود در اردیبهشت ماه برگزار شود که به خاطر مشخص نبودن و مبهم بودن قرارداد ال ۹۰ به تعویق افتاد اما خوشبختانه این همایش در روز چهارم تیرماه در هتل المپیک برگزار می‌شود. وی افزود: حضور اکثر جامعه قطعه‌سازان و متولیان صنعت خودرو بیانگر اشتیاق این جامعه برای به‌روزرسانی دانش فنی و علمی روز جهانی است. دکتر سیداصفهانی اشاره کرد: هم‌اکنون قطعه‌سازان ایران در حال حرکت به سمت پیشرفت و توسعه‌یافتگی هستند و در این مقطع استفاده از تجربیات جوامع صنعتی توسعه‌یافته امری بدیهی است که امید است با برگزاری این همایش گامی بلند در این راستا برداشته شود. وی گفت: موانع و مشکلات موجود بر سر راه تولید و توسعه‌یافتگی را با دست‌اندرکاران دولتی این بخش از اقتصاد در میان خواهیم گذاشت و رویکردهای نوین حمایتی دولت را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. وی بیان کرد: در این گردهمایی مسائل تخصصی صنعت قطعه‌سازی از جمله انتقال تکنولوژی، ارزیابی مدل‌های تعامل قطعه‌سازان و خودروسازان و راهبردهای صنعت خودرو و قطعه‌سازی ایران و نیز راهکارهای توان صادراتی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نعمت‌زاده: کوپن بنزین تهیه شد

فارس: معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: تلاش می‌کنیم کارت هوشمند را در موعد مقرر عملیاتی کنیم اما اگر تا آن زمان آماده نشود، مجبور خواهیم بود چند ماهی از بن یا کوپن برای سهمیه‌بندی استفاده کنیم. محمدرضا نعمت‌زاده اظهار داشت: ظاهراً از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در این خصوص نظرخواهی شده و تا آنجا که من اطلاع دارم، سازمان مدیریت نظرات خود را به هیات وزیران منعکس کرده است. دولت نیز بنا به مصلحت کشور و مردم، تصمیم‌گیری خواهد کرد.